

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امیرافروغ دین

شریعت، طریقت و حقیقت

- سرشناسه : ارشادی، ابراهیم، ۱۳۵۶ -
 عنوان و نام : اسرار فروع دین طریقت، حقیقت و شریعت/نویسنده ابراهیم ارشادی.
 پدیدآور :
 مشخصات نشر : تهران: درخت زندگی، ۱۳۹۶.
 مشخصات : ۱۶۰ ص.: ۵/۲۱×۵/۱۴
 ظاهری :
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۲۲-۸۹-۴
 وضعیت فهرست : فیبا
 نویسی :
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۵۹.
 موضوع : فروع دین
 موضوع : Islamic law -- Practical aspects
 موضوع : طریقت و شریعت
 موضوع : *Tariqat and shari'at
 رده بندی کنگ : ۵/۲۵/۱۵/۴الف/۱/۱۳۹۶
 رده بندی دیی : ۲۵/۲۹۷
 شماره : ۵۰۸۶۶۴۶
 کتابشناسی ملی :

اسرار فروع دین (شریعت طریقت، حقیقت)

نویسنده: ابراهیم ارشادی

نوبت چاپ: اول زمستان ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۲۲-۸۹-۴

ناشر: انتشارات درخت زندگی

ناصر خسرو، کوچه حاج نایب، پلاک ۳۲ ۳۳۹۴۶۷۴۹-۳۳۹۵۷۳۲۴

اسرار فروع دین : شریعت، طریقت و حقیقت

مقدمه

۱- حقیر در کتاب اسرار «اصول دین، شریعت، طریقت و حقیقت» معانی، سر و اصول و مقدمه دین، شریعت، طریقت و حقیقت را از لحاظ لغوی و اصطلاحی لغت کردیم، عزیزان می‌توانند برای شناسایی با این مطالب به مقدمه آن کتاب مراجعه بفرمایند تا با بصیرت و آگاهی بیشتر وارد این بحث شوند. لذا نیازی به تکرار آن مباحث نیست و آن مطالب در کتاب اسرار اصول دین توسط انتشارات درخت زنده‌ای به چاپ رسیده.

۲- فرع همیشه اصل می‌خواهد و باید به جای پایه بزند. در آن مقدمه عرض کردیم که اصول دین هر چند پنج تا است اما حقیقت آن همان توحید و خداشناسی است که به منزله ریشه درخت و پایه ساختمان است که تنه و شاخه درخت و

ساختمان و پنجره ها و به آن تکیه دارد و اگر اصل نباشد فرع می افتد و ثمره ای ندارد و باید فروع از اصول نشأت بگیرد و شاخه ها از ریشه نشأت بگیرد. و منظور ما از فروع دین که در این کتاب انشاءالله مطالبی تقدیم خواهد شد و البته از اسرار طهارت های سه گانه یعنی وضو، تیمم و غسل هم بحث خواهیم کرد. یعنی از طهارت شروع می کنیم با اجزای آن و بعد به عبادات می رسیم. انشاءالله.

۳- فرق بین علت حکم و حکمت حکم. علت حکم آن است که اگر باشد حکم هم خواهد بود و اگر نباشد حکم هم نیست یعنی حکم دائر مدار علت دور می زند. مثلاً وقتی که دلیلی می فرماید شراب حرام است چون مست کننده است از این می فهمیم که مست کنندگی علت حکم است یعنی هر وقت مست کنندگی بود حکم حرام بوده هم مست و اگر نبود حرام نیست. اما حکم یعنی اگر حکمت باشد ممکن است حکم باشد و ممکن

است نباشد و حکم دائر مدار حکمت نیست. مثلاً وقتی دلیلی به ما می‌گوید ازدواج مستحب است چونکه باعث زاد و ولد و کثرت نسل می‌شود.

اینجا زاد و ولد و کثرت نسل حکمت حکم استجاب است چونکه ازدواج با زن عقیم هم جایز است و درست بنابراین حکم دائر مدار حکمت نیست در این مثال حکمت وجود ندارد و اما حکم استجاب ازدواج هم است با توجه به این مطلب بسیاری از فرمایشات که از ائمه معصومین (ع) به ما رسیده است در مورد اسرار عبادات، اینجا حکمت احکام هستند علت حقیقی آنها و علت حقیقی آنها را هم فقط خود آن بزرگواران می‌دانند لذا می‌بینیم که برای یک حکم چند دلیل بیان فرموده. مثلاً در مورد وجوب روزه فرمودند که تا به یاد گرسنگی و تشنگی قیامت بیفتید و یا به یاد فقر بیفتید و اینها سلامتی بدنی حاصل شود معلوم می‌شود اینها حکمت هستند نه علت اصلی

و علت اصلی هم بنابر مصلحت‌هایی در همه جا آشکار نشده است و یک نتیجه مهم هم از بیان بالا به دست می‌آوریم که فقط کسانی که به علت اصلی احکام آگاهی دارند می‌توانند حکم بدهند و علت را بفرمایند و کسی می‌تواند علت را بگوید که به مصالح و مفاسد آن حکم آگاهی داشته باشد لذا فقط شارع مقدس یعنی خدای متعال و حضرات معصومین هستند که حکم می‌کنند و بیان می‌فرمایند و علما از فرمایشات آن بزرگواران حکم را می‌فرمایند و کس دیگر حق ندارد بدون دلیل حکمی را بیان بکند.

حالا با توجه به این سه مقدمه و مقدماتی که در کتاب اسرار اصول دین بیان کردیم به اصل بحث می‌پردازیم. یعنی اسرار فروع دین، شریعت، طریقت و حقیقت که از طهارت شروع می‌شود.